



## اجلاس میان دوره‌یی شورای ملی مقاومت ایران

سخنان مریم رجوی

۶ و ۷ دی ۱۴۰۰

روز دوشنبه ششم دی ماه ۱۴۰۰ (۲۷ دسامبر)، اجلاس میان دوره‌یی شورای ملی مقاومت ایران، با حضور مریم رجوی، در اورسوراواز با سرود ای ایران افتتاح شد. این اجلاس در ارتباط آنلاین با اعضای شورا و ناظران اجلاس در ده‌ها نقطه در آمریکا و کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان، انگلستان، سوئد، هلند و هم چنین در اشرف ۳ در آلبانی برگزار گردید. مریم رجوی ضمن خیرمقدم به شرکت‌کنندگان در اجلاس، طی سخنانی گفت:

با سلام و خیرمقدم به اعضای محترم شورا و دوستان ناظر اجلاس. خیلی خوش آمدید. اگر چه بسیاری از دوستان را تنها به صورت آنلاین می‌بینیم اما به خاطر تازه شدن دیدارها جای شکر و خوشوقتی است.

در ابتدا، یاد همه اعضای صدیق شورا را که در میان ما نیستند، اما یاد و ارزش‌هایشان همیشه با ماست، گرامی می‌داریم. یاد مجاهد کبیر عباس مدرسی به‌خیر که بیش از ۶۰ سال در مبارزه پیگیر علیه دو نظام دیکتاتوری، اسطوره‌یی از مقاومت و پایداری بود. درود بر روان پاک او و دیگر صدیقین.

اجلاس میان دوره‌یی شورای ملی مقاومت را با تجلیل از همه شجاعت‌ها و از خودگذشتگی‌های قیام‌کنندگان در ایران، به نام قیام مردم اصفهان و خیزش سراسری معلمان اعلام می‌کنیم؛ با یاد همه رنج‌ها و خون‌های محرومان و ستم‌زدگان به‌پاخاسته و با یاد همه زنان و مردانی که در اصفهان قیام کردند و متأسفانه مثل همیشه پاسداران خامنه‌ای با قساوت تمام به آن‌ها حمله کردند و این بار چشم‌های آن‌ها را هدف قرار دادند. با دیدن آن چشم‌های مجروح و خون‌چکان به‌یاد سخنان تاریخی مسعود در امجدیه بودم که گفت:

«ما برای بینایی خلقمان چه چشم‌هایی را بایستی از دست بدهیم! شمع‌هایی از چشم، بایستی فراراه خلق برافروخت. آن‌هم از چشم بهترین فرزندان...».

و گرامی می‌داریم دو قیام بزرگ دی‌ماه ۸۸ و دی‌ماه ۹۶ را که خواست مردم ایران برای سرنگونی رژیم آخوندی را به همه جهان نشان دادند.

## پیامدهای روی کارآمدن رئیسی جلاد

خامنیه‌ای رئیسی جلاد را روی کار آورد و سرکوب و دستگیری و اعدام و فشار بر زندانیان سیاسی را شدت داد. اما به‌رغم همه این‌ها، قیام‌ها یکی بعد از دیگری ادامه پیدا کرد. در یک سال اخیر، هر چهار ماه یک قیام بزرگ واقع شده است. این جنبش پرتوان ادامه دوران تازه‌یی در جنبش اعتراضی ایران است که از قیام دی ۹۶ شروع شده است.

اعتراض سراسری اخیر معلمان و اعتصاب‌ها و تحصن‌های چند ماهه کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاه‌ها نمونه‌های برجسته این جنبش پرتوان است.

استمرار، سراسری‌شدن و اتحاد اقشار مختلف، ویژگی‌های مهم این جنبش است که در بطن خود یک نیروی شورشی عظیم و پرتوان و سازمان‌پذیر را حمل می‌کند که چشمه لایزال کانون‌های شورشی است.

از هنگام روی کار آمدن رئیسی، جلاد ۶۷، بر اثر برنامه‌های ضد مردمی و چند برابر شدن قیمت‌ها، تضاد و تخاصم توده‌های محروم و زحمتکش با حاکمیت ضد مردمی تشدید شده در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ بدون در نظر گرفتن بودجه‌های پنهان، نزدیک به ۳۵ درصد بودجه صرف امور نظامی و امنیتی شده است.

بخش مهم دیگر این سیاست، به خاک سیاه نشان دادن ده‌ها میلیون ایرانی است. زندگی بخش اعظم کارگران، کارمندان، پرستاران و معلمان دچار بی‌ثباتی و ناداری شده است. نه مسکن مطمئنی دارند، نه بهداشت و درمان مناسب. این حاکمیت غارتگر حتی نان بخور و نمیر را از مردم دریغ می‌کند.

از طرف دیگر شمار قربانیان کرونا به نیم میلیون نفر نزدیک شده. هر روز گزارش‌های بیشتری از این تراژدی منتشر می‌شود و دانش‌آموزان و کودکان هم به مبتلایان این بیماری اضافه شده‌اند.

مقصر و مسئول نخست این همه قربانی، کما این‌که مقصر و مسئول این فقر دردناک، شخص

خامنه‌ای است که زندگی مردم ایران را قربانی حفظ یک حاکمیت پوسیده ضدتاریخی کرده است. همان طور که مسئول شورا در فروردین سال گذشته گفت:

«خامنه‌ای و روحانی برای حفظ رژیم از خطر قیام و سرنگونی در شرایط تحریم، مانند جنگ ضدمیهنی و مانند قتل‌عام زندانیان سیاسی، استراتژی کلان تلفات انسانی و فرستادن مردم به میدان‌های مین کرونا را در پیش گرفته‌اند».

بله خامنه‌ای و همدستانش در این توهم ابلهانه سیر می‌کنند که می‌توانند به بهای سلب تمام آزادی‌ها و حقوق مردم ایران به حاکمیت خود هم‌چنان ادامه دهند. اما مردم ما با قیام‌هایشان علیه رژیم می‌گویند که علاوه بر آزادی و دموکراسی و برابری باید از حق سلامتی، حق سرپناه، حق اشتغال، حق آموزش رایگان، حق دسترسی به آب و برخورداری از برق و بنزین و گاز ارزان و حق یک زندگی بدون فقر و مسکنت برخوردار باشند.

در این‌جا از جانب شورای ملی مقاومت ایران اعلام می‌کنم که احقاق آزادی‌ها و حقوق پایمال‌شده، تعهد ما در پیشگاه مردم و تاریخ ایران و پیمان ما با یکصد و بیست هزار شهید آزادی است.

### وقت‌کشی رژیم در مذاکرات اتمی

هم‌چنان‌که می‌دانید صورت مسأله سیاسی اصلی رژیم در پهنه بین‌المللی، برنامه اتمی و سرنوشت برجام است.

روند تحولات بیش از پیش نشان می‌دهد که چارچوب کلی سیاست رژیم ادامه وقت‌کشی است تا به توانمندی ساخت بمب یا به تولید آن برسد.

در مقابل، مقام‌های ذیربط در دولت‌های غربی پی در پی نسبت به آینده این توافق اظهار ناامیدی می‌کنند. به اعتراف بالاترین گردانندگان حکومت رژیم، از فردای توافق اتمی تیرماه ۹۴ گسترش برنامه اتمی را شروع کرد.

اگرچه از فردای همان توافق اتمی مقاومت ایران بارها فعالیت‌های پنهانی رژیم برای ساختن سلاح هسته‌یی را افشا کرده است، اما دولت‌های غربی این افشاگری‌ها و هشدارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نادیده گرفتند چون نمی‌خواهند راه کنار آمدن با رژیم مسدود شود.

آنها یک مسیر به کلی اشتباه را در پیش گرفتند از جمله:

-بخشیدن شش قطعه‌نامه شورای امنیت به آخوندها

- بیرون آوردن این رژیم از ذیل فصل هفت منشور ملل متحد  
- چشم‌پوشی از تکمیل برنامه بمب‌سازی رژیم و حملات جنگی‌اش در منطقه  
و تحویل دادن دارایی‌های بلوکه شده ایران به رژیم که تماماً صرف سپاه پاسداران و برنامه‌های اتمی  
و موشکی و غارتگری باندهای تبهکار حاکم شد.  
همه این‌ها گام‌های اشتباه در یک مسیر به کلی اشتباه است که باید با فعال کردن مجدد همان  
شش قطعنامه شورای امنیت تصحیح شود.  
اما تکرار می‌کنم که راه‌حل نهایی و پاسخ صحیح در نقطه مقابل این اشتباه، قرارگرفتن در کنار مردم  
ایران و قیام‌ها و مقاومت آن‌هاست. راه‌حلی که غرب تا به حال از آن طفره رفته یعنی به رسمیت  
شناختن مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم.  
با این حال تا جایی که به شورای ملی مقاومت برمی‌گردد، همه می‌دانیم که مسئول شورا از ۲۵ دهه  
پیش خطاب به رژیم گفت:  
«واپس بتمرکید و خواهش می‌کنیم عقب‌نشینی کنید تا ببینید چه بر سرتان می‌آید. در گردهم‌آیی  
سالانه مقاومت نیز، من تاکید کردم که «سرنگونی و تغییر دمکراتیک  
و برپایی ایران آزاد بر عهده خود ما و مردم ماست. ما در عین حال از هرگونه عقب‌نشینی آخوندها  
(بخصوص در دو مقوله حقوق بشر و اتمی) استقبال می‌کنیم و هزار جام زهر، در خدمت هزار  
اشرف است».  
تاریخ از یاد نمی‌برد که وقتی هشدارها و درخواست‌های بین‌المللی از جمله قطعنامه‌های متعدد  
شورای امنیت برای واداشتن خمینی به توقف جنگ با عراق کارگر نیفتاد، طرف تعیین‌کننده‌ی که  
خمینی را وادار به سرکشیدن جام زهر آتش‌بس کرد و به آن جنگ شوم ضدمیهنی خاتمه داد،  
ارتش آزادیبخش ملی ایران و سلسله عملیات آن بود.  
امروز هم راه خلع ید از رژیم در سراسر منطقه و پایان دادن به جنگ افروزی آن، راه کوتاه کردن  
دست رژیم از بمب هسته‌یی و راه متوقف کردن ماشین اختناق و تروریسم این رژیم، به زیرکشیدن  
رژیم ولایت فقیه توسط قیام مردم و مقاومت ایران و ارتش بزرگ آزادی است.

### تصویر تازه‌یی از قتل عام ۶۷ در شهادت‌های شاهدان قتل عام

در ماه‌های اخیر، همه شاهد محاکمه یک دژخیم قتل عام ۶۷ در استکهلم سوئد و در دورس آلبانی

در مجاورت اشرف ۳ بودیم. به خصوص سخنان تکان‌دهنده شاکیان پرونده و شاهدان مستقیم صحنه‌های قتل عام زبان‌زد بسیاری از مردم شده است.

البته برای جامعه ایران موضوع قتل عام ۳۰ هزار زندانی مجاهد و مبارز در سال ۶۷ یک واقعه فراموشی‌ناپذیر است اما توصیف آن صحنه‌های هولناک از زبان شاهدان مستقیم قتل عام، از زبان کسانی که شخصاً راهروهای مرگ را طی کرده‌اند، یا در سالن‌های اعدام حلق‌آویز شدن ده‌ها مجاهد خلق را به چشم دیده‌اند، تصویر تازه‌یی از آن جنایت بزرگ را در ذهن و ضمیر جامعه ایران ترسیم کرد.

روشن است که آخوندها و دستگاه اطلاعاتی‌شان در شروع دسیسه‌چینی حول جنبش دادخواهی قتل عام ۶۷، بروز چنین پیامدهایی را در محاسبات سیاسی‌شان وارد نکرده بودند. طرح آن‌ها یک تیر و چند نشان بود. می‌خواستند هم جنبش دادخواهی را لوث و بی‌اعتبار کنند، و هم شمار قتل‌عام‌شدگان را اندک و محدود جلوه دهند. هم‌چنین می‌خواستند از مجاهدان قتل عام شده هویت زدایی کنند.

در جریان این محاکمه همه دیدند که دژخیم در دادگاه سوئد به صراحت گفت، اگر به مجاهدین، منافق یا فرقه‌نگوید رژیم حتی او را هم دستگیر و مجازات می‌کند، این است معنی سرخ‌ترین نام در فاشیسم دینی.

از این‌جا به وضوح روشن می‌شود که کلمات سکت و منافق و فرقه از طرف هر فرد یا جریانی که به کار برود، نقطه اتصال و اشتراک او را با رژیم نشان می‌دهد. در رابطه با این دادگاه، دیدیم که رژیم و مزدورانش تلاش حداکثری خود را برای هویت‌زدایی از مجاهدین و سرپوش گذاشتن بر آرمان و سازمان به خصوص نام مسعود که سربداران مجاهد و برسر موضع با آن پرواز کردند، به کار بردند. خوشبختانه مجاهدین به یمن همبستگی و تلاش انبوه هموطنان از جمله هموطنانی از گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی مختلف و خانواده‌های شهیدان و بازماندگان قتل عام در داخل و خارج کشور و فعالیت‌های ارزشمند اعضا و هواداران و مسئولان مجاهدین به‌عنوان شاکیان و شاهدان این پرونده، دسیسه آخوندها را در هم شکست و با این کارزار به جنبش دادخواهی اوج جدیدی داد.

هم‌چنین با شهادت‌های نافذ بازماندگان قتل عام، محاکمه این دژخیم در سوئد، یک موج افشاگرانه اجتماعی و جهانی ایجاد کرد و کل این توطئه تا همین‌جا بر سر خامنه‌ای و رئیس جمهور جلادش آوار شد.

از جانب شورای ملی مقاومت از همه کوشش‌ها به‌ویژه از شهادت‌های بازماندگان قتل عام و

خانواده‌های شهیدان که همگی در برابر رژیم همبستگی و اتحاد عمل نشان دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. هم‌چنین تقدیر می‌کنم از یاران شورشگر و اشرف‌نشان‌ها که در این چند ماه در گرما و سرمای چنددرجه زیرصفر این کارزار را با از خودگذشتگی و مایه‌گذاری بسیار پیش بردند و باید گفت که این تلاش‌ها شور و نیروی جدیدی به جنبش دادخواهی بخشید و مایه دلگرمی هموطنان‌مان در داخل و خارج کشور شد.

به گواهی کتاب جنایت علیه بشریت، قتل‌عام زندانیان سیاسی دست‌کم در ۱۱۰ شهر در ایران انجام شده است. در همین کتاب، اسامی ۳۵ هیأت مرگ افشا شده که مسئولان کشتار در استان‌های مختلف بوده‌اند.

بنابراین جنبش دادخواهی تا فاش شدن ماجرای کشتارها در تمام این شهرها در سراسر ایران، تا به‌دست آوردن فهرست کامل شهیدان این قتل‌عام، تا روشن ساختن مزار پرشرف این سربداران در گوشه و کنار ایران اسیرمان، تا افشای تمام آمران، عاملان، دست‌اندرکاران و همکاران این جنایت بزرگ و تا سپردن آن‌ها به دست عدالت در میهن‌مان ایران و در دادگاه‌های مردمی، جنبش دادخواهی ادامه دارد.

و این جنبشی است تا سرنگونی رژیم ولایت فقیه.  
از همه شما متشکرم.